

درست شد و بازیگران از عهده‌هی آن صحنه برآمدند. ایرانی همین است که فکر می‌کنم این قلم فیلمی واقعی درباره ای را روایت نموده است. راستش به نظرم، علت بازی عالی هیسانو، کانگی در «آن جا ساعت چند است؟» همین است که ارواح آدم‌های مرده همگی از خلوٰ کرد و درین همین موضوع مکشیش کرد تا نقشش را به پهلوان و جهی زنید. فکر می‌کنید بودسم مختار در شووه قلمبازی تان تایر گذاشته است؟ و استثنی آرامش خاصی در «آن جا ساعت چند است؟» موجود می‌زند!

به، قطعاً در فیلم‌های من بودیم وجود دارد. چند روز قبل هم یکی از دوستان مادرم، که فیلم را دیده بود، به من نظر زد و گفت فیلمت درباری بودست اسپت به این سمت است. من عقده‌نم بر تعریف بودیم و این این است: مذهب مردمی که به دنبال دهیات و آوردن داشت و آگاهی از اتفاق و وجود خودنات بودیم مذهبی نیست که به دنبال کسب داشت و شعور از جهان پیرامون باشد. بخشی از فیلم‌های من دقیقاً به این معقوله روایانه می‌برازد.

◀ اولین بار است که با یک فیلم بردار غیر قایوانی کار کردید؟

بنو نهادهم، در فردی با اوج و چیزی های داشت:
من قبل با یک فیلم برادر کشته تایوانی یا ایلان پن-جانگ-ا
کارمی کرد، او بسیار کارکش و مجبور بود، از همان کارش
اول جوانی در تمام مرحله تولید حضور داشت و در زمینه ای که
نیز تجزیه فراوانی داشت اما عنصر مندی واقعی است، او بروای
نمایش گفتش خلاصیت نیازمند عوامل زیادی بود برای همین
از من سوال هایی می پرسید و ماسنجه های زیادی را در
حثای با یکدیگر گذاشتند، موقع شروع فیلم برادری به شدت از
بایان کاری ترسید، چون که شوه ای فرمگاه از هم فصل
داشت من مطمئن بودم که هستم خمام خواهی بودی نوروزی داری
از نوروزی طبیعی استفاده کنم، اما برای او، همه چیز باید از پیش
آماده و طراحی و ساخته منشد، مثلاً وقتی که داشتم همه های
ایرانیان را در فیلم ایجاد کنم، این اتفاق نمی می خورد در خانه را
در هر دهه می ساه پوشاند، و نوافرمانی ها را شوین کرد، این کارش
دست من مطمئن بودم که هستم خمام خواهی بودی نوروزی داری
از نوروزی طبیعی استفاده کنم، تکه دیگر آن که او خیلی خوبی
حساست، وقتی با هم تایوان آمدیم او از ما خواست تا از
لامب طورست بد یعنی نوروز افسوس استفاده کند، این خواسته ای او
برایم عجیب بود را تایله همچو کس با چنین گزینی کند.
اما این تو فرمیم که در فیلم می بینید گرفتیم این منع بود
شوهای سیار اندیشه استفاده کنیم، اما جای این که در حال
حاضر حالی که در فیلم می بینید دفعه همان چیزی است که در

زندگی مردم تایوان وجود دارد. اصل‌الین توانید حدس بزیند.
این فیلم را قلیم برداشت فیلم نویسنده بود و از درباره است کل
فیلم برداشت فیلم برداشمن لذت بخش بود و از درباره دیگر مبنی
توضیحاتی هشواری را از این خواسته ای او استفاده از دریزی
روی داشت شهور است. امام ازا خواسته تا دوربینش را تابت
نهاد و اصل‌الحر کتی وجود نداشته باشد. مثلاً در نمایی راهنمایی
که در هتل می‌باشد. راه آن قدر تنگ بود که حتی قلیم برداشت
هم به زور از آن را در سده. و اضافه این دانیم که او چگونه از
جهدی داشت از درباره آن خواسته برا آمد. این مطلب از تقدیر میرساند
فیلم برداشت در حال شکایت اند اما خواست تا آن جایی که

● **آن جاساعت چند است؟** از نظر فلیم برداری و نورپردازی تفاوت های با فلیم کلی شما دارد اینکه مطابق با طاقت نورپردازی خواهد بود. فضای جاهای از قبیل تصویری شما معلوم است. امریکا فلیم های بیان سلطنت استادانه از نظر فلیمی. کل نیاز اینهاست که قاب های نیز منعطف بود در فلیم های قبیل از حرکت هایی مثل مین یا... استفاده کردید اما در این فلیم حقیقتی صحنه محکر هم نماید و درین کاملاً تفاوت است. این ها میتوانند تأثیر فلیم برداران بروز نمایند. فلیم برداری هنگامی که همان ساعت خواستیم، صحنه ای است که قطار، راهی کشیده باشیم. کارگردان این ساعت ها را عرض می کند. فلیم برداری کنیم، مقداری این استفاده کردم. اما بعد از آن روز احسان نازارحتی نمی کرد و این قضیه را باید فلیم برداری در میان گذاشت. از آن جایی که یکی از مضمون های فیلم مرگ بود و در این تجھیه بسیم که فلیم پایه داشت. این پایه و همچنان داده شکاره کرد. آن مشاهده نشد. شاهنامه عکس کارگردان را نمایند. این پایه و همچنان داده شکاره کرد.

کفت و گو با تسای مینگ لیانگ، کارگردان «آنجا ساعت چند است؟»

انزوا، مرگ و قصہ ارواح

جیسون مک براید، مارک پیرانسون
ترجمہ: حامد صرافی زادہ

— 1 —

A black and white photograph of two men. The man on the left is wearing a light-colored shirt and a dark jacket, smiling broadly. The man on the right is wearing a dark jacket, has a shaved head, and is also smiling. They appear to be at a social event.

چشواره‌های مختلف شروع شد. یک بار که در هاوایی بودم، هیئت‌نایانگ کنار من نشسته و به خواب رفته بود. ناگاهان به طرف پر بگشت غمی را در چهره باش دیدم که خودم در هنگام مرگ بدراخ با آن دست مدت گیری بودم.

با او در مورد این فیضی درباره‌ی مرگ بدران مان شروع به صحبت کردم، ما به هم خلی خلی نزدیک هستیم. بامگ پدر او انجکار که پدر در یک مردم بوده مهان معوق دوایرانه مرگ کردم از روی ورشدن با آن چون بگزید بگزید. سه‌می قرق، این قبل راسازی کرد و چون که زیادی به این طرف و آفرینش کرده بودم حس اختهای ای من مست داده بود. چیزی شیشه

ی هدفی با گیجی، باری چند روزی در شهروهای مختلف توقف
می کرد و اصلاحات آن را داشتم که آن جرا درست بشناسم.
همان موقع بود که تفاوت بین از راه شهروهای مختلف توجه کرد.
به تصریح رسیدم که در این فیلم مضمون مرگ و اختلاف زمان را
نمی بینم و نیز کسی که
فرمود که آن جای است چند است؟
بله، روح بدم هم شنان در میان ماست. در هنگام ساخت
فیلم با هیچ مشکلی روبه رو نشدم. و من ملت این
خوش شانسی را رسانیدم حتی روح بدم در این ساخت این فیلم
نمی دانم. و قی که ساخته شدن فیلم به پایان نهادم.
همه ما افسوس شده بودیم مثلاً هنگامی که باختبر
صحنه ای را در آپارتمان شخصی هیساوون. کانگ می گرفتیم.
متوجه شدم، بازیگرها با آن صحنه مشکل پیدا کردند و
آن صحنه به هیچ وجه مرا راضی نمی کرد. همان لحظه با
صدای لذت انس پدر هیساوون، کانگ را دادم زدم و گفتمن.
و همچنان که کانگ که اینجا بود، همچنان که اینجا بود،

◀ موضوع کلی «آن جا ساعت چند است؟» شبهه فیلم های اولیه تان است اما جزیشتن با آن ها فرق می کند. به نظر می رسد این فیلم در کارنامه شما جایگاه ویژه ای دارد. قرار است بعد از آن شوءه فیلم ساز تان را تغیر دهید؟

حال شیوه‌های را حفظ کنید، بعده آن همی می‌توان، قبل از فرم اخیره
هشیمه دولت به من در ساختن قیام هایم کمک ملی می کرد اما
با خاطر آن جای است چند است - خودم باید تمام سرمایه کارگران
را پیدا می کردم آن قیام بود که فهمیدم چون کام از عبارت‌های
گشته‌های و شعرت به درد نیز خورد مدت خست گردید کار از
دوره گوین و هشیمه بر اینسان های خند دارد تعريف می کنم
اما قیام بهم بود هچ و چه قسم گو نیست هشیمه اصرار تأمین تا
بیان احساسات و عوطفات پیار این چیز می‌جذور براز کارهای
که هشیمه کنندگان با مشور پیدا کنم تهیه کنندگان هایی با این
درجه از فهم و شعور وجود داشته باشند، فقط نمی دام آن کجا
هستند؟

چه اجیاری در ساخت این فیلم بود؟
ما در زندگی با پیزه‌های زیادی رویه‌های شویم، اما تنها موردهی کم مراد از ادار کرد دان این فیلم را بازم مرجگ بدین درسال ۱۹۹۲ بود.
همیشه فکر کرد تا این فیلم را نتازم خیلی راحت نمی‌شود. من

پدرم در سال ۱۹۹۲ م.د. آن موقع از روبروی وشن بارگ گرفتند. شدت آن تیرانی و دشمنی را تبدیل به دیده نامه وارد کردند. آن موقع در گفتگویی که بود به هیچ وجه در میان افراد فراموش نمی‌نمایند، یعنی می‌گفتند: «کانگ کانگ اینجا گزینه ایجاد کنیم اگر گذشت مرگ او فدیقیاً پیش از شروع قلمبرداری (خرفه) فیلم اتفاق افتاد و قیمت تمام و قاع کمالاً به کمال تأثیبی روی می‌دهند».

NEWS

اده‌پیس در رادیو



اده‌پیس مشغول انجام مذاکرات برای پیوستن به کویا گودینگ چنور در فیلم جدید «فروادیو»

به کارگردانی مایک تائین است. مایک روج (The Rookie) نویسنده فیلم‌نامه پر اساس مقاله‌ای از گروی آسیت است و فیلم برداری از پاییز امسال آغاز خواهد شد. هریس اکنون در صحنه فیلم HumanStan در کار آتوئی هاپکیت و تیکم کیمین حضور دارد. فیلم ماجرای مری بک گروه‌وزرتشی هریس است که موقعی می‌شود تحول عدالتی در یک دانشجوی سیاپیوست ورزشکار (کویدیگ) که در برقراری ارتباط پا دیگران مشکل دارد. ایجاد کند.

وینسلت در فیلم تازه فارستر



کیت وینسلت در کارگردانی دب در فیلم جدید کیمی میراکامس به نام «آکجا آباد» حضور خواهد داشت. فیلم اقتباسی از نمایش نامه آن نی به نام هرودی که می‌خواست پیشین باشد» خواهد بود و مارک فارستر (الاسکس اهریمنی) کارگردان آن است. دیوید مگی تویسندی فیلم نامه است که ماجرای زندگی خالق پیشین چیزی برای اویل فرن پیشتر در لندن است. از وینسلت در ماههای آینده فیلم «زندگی بازیگر» بازیگر کوین اسپیسی و لوک اولینی به کارگردانی دمی آید.

کمدی جدید مگوایر



شارون مگوایر پس از موقعیت فیلم «خطارات بریجت جونز» قصد کارگردانی کمدی تازه‌ای را برای کیمی رایدی اسکات دارد. فیلم نسخه‌انگلیسی کمدی آلمانی به نام «همه چیز باب خواهد بود» ماجرای یک مرد خجال پرداخت است که ازدواج باز نیاز دارد. کارگردان آن است. دیوید مگی تویسندی می‌دهد وی پس از مدتها در تاصیمه‌شی دچار شک و تردید می‌شود پیش ازین گفتگو می‌شود که مگوایر قسمت دوم فیلم «خطارات بریجت جونز» را کارگردانی خواهد کرد.

سریع و آتشین ۲ بدون عوامل اصلی



در حالی که به نظر رساند موقعیت تست اول فیلم صریح و آتشین «همه چیز را برای همکاری بازیگران و کارگردان آن در قسمت دوم فراهم کرده باشد، ولی گفته می‌شود وان دیزل (بازیگر اصلی) و ارما کومن (کارگردان) درین دنده حضور خود را منوط به بازی دیزل کرده بود و با انصاراف دیزل از این پیروزه که احتمال فراوان به خاطر عدم توانایی انجام شده‌است از این دلایل اصرار دارد و فیلم نامه نیز این تغییراتی این بازیگر شخصیت پل واکر به نام برایان او کاک تمر کر خواهد داشت. فیلم برداری احتمالاً از دیوالی خواهد شد و می‌شود زمان کارگردان این پیروزه‌ها شخص شد.

هالی بری در دو فیلم جدید!



هالی بری پس از دریافت اسکار بهترین بازیگر زن برای فیلم «الاسکس اهریمنی»، قصد بازی در دو فیلم جدید را دارد. بری بازیگر اصلی نسخه‌ی تازه‌ای از فیلم فاکسی بر اون (۱۹۷۶) خواهد بود و در عنی حال بازیگر و تهیه کننده فیلم دیگری به نام دختر ششم همراهی است. به گیری بازیگر نسخه اصلی فیلم فاکسی بر اون بود برعکس ایندووار است که در دنباله‌های فیلم فاکسی بر اون پیش از این اتفاق بک نز از قبالان دوستی حضور داشت. باشند هنوز کارگردان این پیروزه‌ها شخص شدند.

وربوردان هنرپیشه می‌شود؟



دولوروس اورپوردان خواننده گروه کرن بریز هم قصد دارد شاتس خود را در عالم هنرپیشه‌ی بیان‌گذاری و اعلام کند که چند پیشنهاد هم از هالیوود برای بازیگر دیگر از فیلم کرده و توییز کرد که در پیشنهادهای شریدان جدی تراز اسپری پیشنهاد بوده. ولی هنوز چیزی اقطعی شاهد پیش از این دنباله از فیلم برادران پیشنهاد نیافرید. هنوز کارگردان این پیروزه‌ها مشخص نشد.

تارانتینو تهیه کننده اجرایی شد



کوتتنین تارانتینو تهیه کننده‌ی جایز فیلم تازه‌ای برای پر اساس یک شخصیت کارکردن خواهد بود. کارگردانی این پیروزه به همراه دنی پارساکوپلوسون گذاشت شده و چیز کوپرسندی فیلم نامه اسکار کمیک‌های لری هاما است. پیش از این قرار یاری برایت زمه کیس کارگردان این فیلم باشد.

همکاری لیوتايلر و اسکورسیزی



مارتن اسکورسیزی، پیل تایلر را به عنوان بازیگر اصلی پیروزه‌ی بعدی خود انتخاب کرد. این کارگردان اسطوره‌ای قصد دارد تا از تایلر به تقاضت پیش بینی پیشنهاد زندگی این هنرمند مشهور دهه ۱۹۶۰ استفاده کند. اسکورسیزی در حال حاضر مغفل تکاریش سخنی نهایی فیلم نامه است و احتمالاً افرانسیس فورد کاپولا نهیه کننده فیلم خواهد بود. فیلم برداری از بهار سال آینده آغاز می‌شود.

و طرح صحنه، ایپ کام تم، کار فوق العاده‌ای انجام داد. او مجبور شد مدت زمان زیادی را به تغییر زنگ دیوارها اختصاص دهد. اگر این فیلم را بقیه هایم مقایسه کنید، متوجه می‌شوید چقدر به طراحی صحنه بپایه داده ایم.

چرا پاریس را برای فیلم برداری انتخاب کردید؟ با این که به شهرهای مختلفی سفرت کردم، تنهای به پاریس احساس نزدیکی خاصی کردم. بگنارید بربان مثالی بزم ماه جولای گذشته برای اولین بار به نیویورک رفت و فکر می‌کردم شگفت‌انگیز و جذاب ترین شهری است که در عرصه دنیاها بآن آسان‌خواهیش و آن سیستم متروی عذاب آورش و آن مردم خاشش، اما دوامدی هیچ چیز از نیویورک که در خانم نمایندگی از این شهر نمی‌دانم.

از این شهر نمی‌دانم. اما در مورد پاریس بعدها از همه اعماقی را برای استراحت در پاریس بگیرم. آن جا رایم آرامش بخش

بود و باعث شد تا این شهر را بهتر بشناسم. اما از انسان بدین همچو جام جهانی شروع شد. وقتی که قیم فرانس برندگه شد، همه ساکنان پاریس یک دفعه دوام شدند. در خیابان‌ها بیچی می‌کشیدند،

داد و فرید را از اندخته بودند و آن موقع بود که فهمیدم که این جا می‌دانم. از این ساعت پاریس شدندگی را برای این موقوعه ایست. بازیگر

کنم. در آسیا بیشتر مردم نسبت به پاریس احساس خاصی دارند، اما تجربه به من شان داد که پاریس مهربودی است بازدهیان سر.

نکردم که شهری آدمهادم که پر از غربی است و رایم آرامش بخش است. چون که زبان انگلیسی و فرانسه‌ای خودشان را بشناسیم، دکتر می‌کرد پیشترین فرصت برای تهیی و خودشانی است. موقعی که در تایپه بودم هر جا که ملکی بود، پایام را نمی‌گاشتم. اما فهمیدم در مورد پاریس واقعاً شاشه‌ای است.

دریش تر فیلم «ایلان هیتلاؤ». کاگن تهیه و نجزی ایست. به نظر شایسته این تهیی و غربی بودن در پاریس فرقی وجود ندارد؟

برای این پرسش باش شخصی ندارم. در زندگی کو زمزمه خودمان، واقعاً از ازدواج و تهیی اذت می‌بریم. از شغل و سرو و مدد متفهم. تهیه از ازدواج و تهیی اذت می‌بریم. هر جا که ملکی بود، پایام را

نمی‌گاشتم. اما فهمیدم در مورد پاریس واقعاً شاشه‌ای است. بازیگر

شخیخت ها در محظی قرار دهم که یا چیز کس از تهیی داشته باشد. پاشند. دوست دارم در فیلم هایم باشند. همان طوره رویم شوم که با مرگ دوست دارم در فیلم هایم

شخیخت ها در محظی قرار دهم که یا چیز کس از تهیی داشته باشد. بازیگر

پاشند. دوست دارم دریاری این موضوع که ما مقدار با یکدیگر فاصله داریم و مقدار باید اصله داشته باشیم. فکر کنم، همچنین دوست دارم شخیخت ها را در موقعیت هایی قرار دهم که از عشق تهیی شده با کسی را دوست داشته باشند. برای این معنی نیست که شما در آن کان های نیز منزدی نیستند. من با مقاوله هایی همان طوره رویم شوم که با مرگ دوست دارم در فیلم هایم

شخیخت ها در آن موقعیت هایی که باشند. همان طوره رویم شوم که با مرگ دوست دارم در فیلم هایم

شخیخت هایی که باشند. همان طوره رویم شوم که با مرگ دوست دارم در فیلم هایم

شخیخت هایی که باشند. همان طوره رویم شوم که با مرگ دوست دارم در فیلم هایم

شخیخت هایی که باشند. همان طوره رویم شوم که با مرگ دوست دارم در فیلم هایم

شخیخت هایی که باشند. همان طوره رویم شوم که با مرگ دوست دارم در فیلم هایم

شخیخت هایی که باشند. همان طوره رویم شوم که با مرگ دوست دارم در فیلم هایم

شخیخت هایی که باشند. همان طوره رویم شوم که با مرگ دوست دارم در فیلم هایم

شخیخت هایی که باشند. همان طوره رویم شوم که با مرگ دوست دارم در فیلم هایم